



نگاهی به دو انتقاد پیرامون اهمیت مبارزه برای سبک زندگی (آب بازی جوانان)!*

اگر خواننده به کل مطلب توجه کند معلوم است که از صدر تا ذیل نوشته در دفاع از حق انتخاب سبک زندگی و شادی به مثابه یک نیازی نفسه و دارای اصالت نوشته شده است. البته در بخش بعدی هم این مساله با تأکید بیشتری مطرح خواهد شد. اما تا آن موقع خواستم به یکی دوسوال و انتقاد ضمن تشکر از دقت و نقد دوستان پاسخ بدهم:

اگر سوال کننده مساله را در بستر زنده خود یعنی واقعیت اجتماعی و کشاکش نهفته در آن در نظر می گرفتند چنین معضلی، یعنی تناقض بین اصالت شادی و تفریح و فرایند رادیکالیزه شدن وجود ندارد. مساله آن است که انسانها در جوامع و مناسباتی قرار می گیرند که مانع تحقق نیازهای آنها می شود: بله من آب بازی را دوست دارم و فرض کنید یکی از همین جوانها هستم. ولی... ولی در شرایطی هستم که سلطه و بقول شما اتوریته حاکم اجازه نمی دهد و سرکوب می کند و به بازجویی و زندانم می کشد و مانع تحقق نیازم می گردد. بنابراین برای تحقق آن لازم است فراتر بروم. یعنی با اتوریته نیرومند و مسلط و بیگانه با خودم و درونمایه ام به جنگم. برای اینکار آگاهی از کم و کیف توانائی دشمن و سیاست های وی و آن عواملی که به او قدرت سرکوب من و امثال من را می دهد از یکسو و بر طرف کردن ضعف های خود و تولید کنش فردی و جمعی خلاق تر و تاکتیک و استراتژی سنجیده از سوی دیگر برای چنین مقابله ای پیش می آید. واقعیت آن است که آب بازی جوانان یعنی دختر و پسر با هم بودن و در ماه رمضان حرمت کذائی روزه را شکستن و... همه و همه در عمل یعنی به جنگ یک حکومت ایدئولوژیک و تمامیت گرا و باید و نباید های آن رفتن و فقه و احکام اسلامی و روحانیت، دستگاه ولایت فقیه و نرم های آن را به تمسخر گرفتن. و اگر جلوی آن گرفته نشود فردا است که کشف حجاب کامل صورت خواهد گرفت و... و همه اینها یعنی که حرکت ساده مورد نظر شما، علیرغم همه سادگی اش با قدرتی مهیب مواجه است که چون امکان تحقق ندارد پس بناگزی را نخواهد تسلیم بشود و نانسانی بماند، فراتر برود.

علاوه بر این من نوعی جوان، فقط نیاز به آب بازی ندارم، بلکه همچنین به مدرسه و دانشگاه و روزنامه آزاد و در تحلیل نهائی به زندگی آزاد نیاز دارم، که تحقق همه آنها یعنی نفی سلطه حاکم در همه وجوه خود. بنابراین من با تجربه و آگاهی و کنش خودم در مبارزه برای تحقق نیازم در کنش با دیگرانی قرار می گیرم که تجارب و آگاهی خود را مبادله می کنیم و سعی می کنیم که با خرد و نیروی جمعی امان راه بهتری برای تحقق نیازهای مشترک و اجتماعی امان بجوئیم. فرض کنید که تجربه و آگاهی من می گوید تحقق نیازهای من درگرو سرنگونی این قدرت است و بدون آن آب راحت از گلویمان پائین نخواهد رفت... در واقع این مساله، اکنون مهمترین معضل جوانان، مردم و جامعه ما است و بدیهی است که بحث ما در این چهارچوب و فضای مشخص صورت می گیرد و نه در فضای فرضی و خیالی که تحقق نیازها هیچ تصادمی با اتوریته ها و قدرت های حاکم ندارد. نوشته می خواهد بگوید با توجه به چنین وضعیتی خود خواست های ساده در برخورد با استبداد حاکم زمینه رادیکالیزه شدن و تعمیق پیدامی کند (از درون و در راستای خود سوژه گی و با سوژه شدن هر کدام از ما). بنابراین من همبازی جوانان سرکوب شده در بستر تجربه صورت گرفته، بفکر این می افتم که برای بدست آوردن حق انتخاب برای سبک زندگی آزاد با رژیم درگیر شوم یعنی خواستم را رادیکالیزه کنم و این نظر خود را به بغل دستی ام و همبازی و هم محله ای و هم مدرسه ای و هم دانشگاهی و همکارم... انتقال دهم و شروع به شبکه سازی

وسازمان یابی کنم و... واهداف های موردی را با اهداف اصلی گره بزم. خود خانم انتقادکننده دارد همین کاررامی کند یعنی نظر خود را در مورد مضمون شادی که به زعم او یک اقدام ضداتوریته و تسخیر فضای شهری است مورد تبلیغ و دفاع قرار می دهد و سعی می کند که بر همین بستر آگاهی را تعمیق بخشد و البته کار خوبی هم می کند. بنابراین نقدا دوسؤال در برابر ما قرار دارد:

الف- آیا من و ما و هر فرد و شبکه بخشی از این جنبش بشمار می رود یا نه؟ از آنجا که در این نیازها مشترکیم و برایش میارزه می کنیم، پاسخ قاعدتا باید مثبت باشد. پ- آیا برای تحقق نیازهای مشترکمان به کنش و برقراری رابطه فعال و متقابل با افراد و شبکه ها و تشکل های موجود در آن می پردازیم یا نه؟ قاعدتا اگر برای تحقق نیازهای خود جدی باشیم، آری. اگر نقدا همین دوتا را بپذیریم دیگر نمی توانیم با تلاش برای سازمان یابی در بستر واقعیت اجتماعی و با پای بندی به مناسبات انسانی و مغایر با سلطه مخالف باشیم. تنها آنچه که در این میان مهم است آنست که برای تحقق نیازهای اجتماعی مشترکمان و در مبارزه علیه سلطه مناسبات حاکم، باید بکوشیم چنان مناسبات اجتماعی و انسانی را برقرار کنیم، که از جنس سلطه و باز تولید کننده آن نباشد.

نکته دیگر نوشته آنست که می خواهد بگوید پیوند مطالبات و جنبشها و کانونی شدن آن در شماری اهداف پایه ای و مشترک نباید اصل و اقعیت تکرر مطالبات و جنبشها را نادیده بگیرد. ما از جنبش های مختلف و جنبش های جنیش ها سخن می گوئیم که در آن ضمن ضرورت پیوند این جنبشها و ضمن ارتقاء و غنا یافتنشان هیچ کدامشان زانده و زیر مجموعه دیگری نباشند. اما پیوند آنها یعنی غنا و رادیکالیزه شدن، در عین تکرر به سوی ذاتی مشترک و یا مطالبه ای فراگیر و مشترک در حرکت است. علاوه بر این در این نوشته گرچه بر روی یک رویداد معین مکث می شود اما تلاش می شود که فراتر رفته و با مشاهده عام در خاص راهی برای پیشروی بر اساس همین مطالبات ملموس برای گشایش بن بست تاکتیک فراهم گردد.

خلاصه آنکه رادیکالیزه شدن از درون و تعمیق اهداف و تقویت هم آهنگی و همبستگی لازمه منطق مبارزه با اتوریته است و در این مبارزه هر کس می تواند به مثابه سوژه ظاهر شود و البته شرط سوژه شدن چیزی جز فراتر رفتن و مبارزه برای تحقق نیاز و پیش شرط ها و الزامات آن نیست. تعمیق هدف و آگاهی به معنای نفی اصالت مطالبه نیست، اما به معنی پیوند آن با سایر نیازها و مطالبات هست. بنابراین قاعدتا اگر خود را نه در بیرون بلکه در متن حرکت و نیازهای مشترک به بینیم آنگاه چیز غریبی در این عبارت یافت نخواهد شد: در بستر حرکت می توان به سمت اهداف موسوم به حداکثری و رادیکالیزه شدن خواستها رفت و بر غنا و عمق مبارزه افزود و بر توده گیر شدن آن امید داشت. مهم قرار گرفتن در این بستر به مثابه یک کنشکراست. در این عبارت محرک و موتور پیشروی به خود کنشگران و سوژه شدن آنها ارجاع شده است و نه اینکه از بالاسر و بیرون از آنها فرمان بسیج و رادیکالیزه شدن صادر شود. بنابراین مساله نه بر سر نفس و ضرورت رادیکالیزه شدن و فراتر رفتن بلکه چگونگی آن و عدم تحمیل این فرایند از بیرون و از بالای سر و جوشش آن از متن است. به گمان من هر کس از ما در بستر حرکت و با دفاع از حق سبک زندگی به اندازه تجربه و آگاهی و توانائی خود می تواند در تقویت آگاهی جمعی و فراروی از وضعیت، مشارکت فعال داشته باشد. همانطور که اشاره شد مهم برقراری مناسبات مبتنی بر برابری و فارغ از سلطه در این همسوئی و تعامل فعال بسوی اهداف متشکر است.

دوست دیگری بر استفاده قالی باف و بطور کلی رژیم از آب بازی و تفریحات و "آزادیهای باصطلاح مرسوم در موسم انتخاباتی" اشاره کرده است. این نگرانی بنظر من هم واقعی است و هشجاری زیادی را می طلبد. میدانیم که رژیم اینکاره است و بارها آزموده ایم. من نیز در بخش دوم نوشته خود به همین مساله اشاره ای کرده ام و منکر آن نیستم. ولی نکته اصلی چگونگی صورت بندی این مساله است: مردم و جوانان اصالتا نیازهایی دارند و برای آن مبارزه می کنند. این مبارزه در تمامی عرصه ها به درجاتی

جاری و محسوس است. از سوی دیگر رژیم و نه فقط رژیم، بلکه قدرت های خارجی و همه گفتمان های دیگری که از مناسبات اجتماعی نابرابر دفاع می کنند، همواره سعی می کنند که از مردم سوء استفاده کنند و آنها را به سیاهی لشکر اهداف خود تبدیل نمایند. در اینجا ما با یک بسترو رویاهای متعددی سروکار داریم. رویای مردم یک چیز است و رویای رژیم و یا قدرت ها و گفتمان های دیگر چیز دیگری. البته بدون بیازی گرفتن مردم هیچ کدام راه بجائی نمی برند. نکته مهم آنست که بتوانیم ضمن تفکیک این رویا ها بکوشیم که روی پای خودمان بایستیم و حتی بسود خود از فرصت هایی که احتمالاً اشکاف بالائی ها می توانند بوجود بیاورند بهره بگیریم بدون آنکه جنبش زائده اهداف آنها بشود. باین دلیل ما نمی توانیم اصالت مطالبات جوانان و مبارزه به حق آنها را مثلاً برای سبک زندگی و تفریح و غیره بدلیل آنکه مبدا مورد سوء استفاده دشمنان مردم قرار گیرد- که می گیرد- منکر شویم و باصطلاح آب طشت و بچه را باهم دور بریزیم. برعکس باید با دفاع و تأکید بر خواسته های انسانی جوانان و افشاء اهداف دشمنان و نیروهای سلطه طلب، بتوانیم با استفاد از تجربه و آگاهی و بازبینی ترفندهای رژیم اردوی مبارزه را هشیار کنیم و تلاش کنیم که در زمین خود بازی کنیم و آلت دست گفتمان و نیروهای بیگانه با خود نشویم. در واقع اگر این عرصه را نادیده بگیریم، آنها بیش از پیش فرصت سوء استفاده خواهند داشت. ضمناً بحث "انتخابات" و نیرنگ های رژیم برای کشاندن جوانان و مردم به صندوق رأی بحث جدائی است که باید جداگانه به آن پرداخته شود.

1390-05-25 - 16-08-2011 تقی روزبه

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com>

taghi_roozbeh@yahoo.com

.*:

1- نویسنده: در بستر حرکت می توان به سمت اهداف موسوم به حداکثری و رادیکالیزه شدن خواسته ها رفت و بر غنا و عمق مبارزه افزود و بر توده گیر شدن آن امید داشت.
سوال: ما در حرکتی شرکت میکنیم برای رادیکال کردن آن و یا چون این حرکت یکی از مطالبات ما نیز است؟ آقای نویسنده در آب بازی شرکت میکند چون آن را دوست دارد یا قرار است جهت تفنگ آب پاش در آینده رو به نیروی امنیتی باشد و این تمرین را در مبارزات آینده برای جوانان خوب ارزشگذاری میکند. خلاصه شما برای استفاده از ابزار آب بازی و رسیدن به هدف ضد رژیم در آن شرکت میکنید؟ هدف علیه سیستم با ابزاری که شما دوست ندارید اما فعلاً این ابزار انسانها را بسیج کرده و پس خوب است. بحث بر سر استفاده از ابزار بسیج مردم حول تفریح است.
گویا نقاد میگوید با هدف رادیکال کردن آن باید شرکت کرد. دیگری امین حصولی میگوید این حرکت ها را نمیتوان رادیکال و ضد سیستمی کرد.
سوال من در مورد نظر نویسنده است که اصولاً خودش امروز طالب آن است یا آب بازی وسیله است و شرکتش با هدف برای رادیکال کردن حرکت؟

2- حاکمیتی که در کارنامه خود اثری از کوتاه آمدن در مقابل مردم ندارد، چگونه اجازه میدهد گرهی ترین نرم های سیاسی (حجاب، جدایی جنسیتی) توسط جوانانی خدشه دار شود؟ بعد از این همه فریب کاری دولتی باز شما امیدوارید حرکتی مردمی شکل گرفته شده باشد؟ فراموش کردید استفاده از دختران و پسران مدرن جامعه برای شرکت در انتخابات (در چند دوره قبل)؟.....

کل انتقادات را می توانید در لینک زیر (در سایت روشنگری) مطالعه کنید:

<http://www.roshangari.net/as/sitedata/20110812125151/20110812125151.html>